

# آتش دائم

منتخبی از گفتارهای

ربای لوباویچ

ربی مناخم مندل شینرسون

ترجمه کتاب Torah studies

از ربی جاناتان ساکس. ام. ا. (کتاب) دکترای فلسفه

ترجمه فارسی بوسیله

پرویز مژده‌ی

Translated into Farsi by:

Mr. Parviz Mojdehi

\*

Reprinted with permission by:

Chabad Persian Youth

&

Moshiach Awareness Center

Issue # 54

Parshat Ha'azinu, 5784  
7 Tishrei, 5784  
Sept. 22, 2023

Issue # 55

Erev Yom Kippur, 5784  
9 Tishrei, 5784  
Sept. 24, 2023



Friday, Sept. 22, Light Shabbat Candles, by 6:32 p.m.  
Saturday, Sept. 23, Shabbat ends at 7:34 p.m.

Sunday, Sept. 24, Light Yom Kippur Candles, by 6:29 p.m.

Monday, Sept. 25, Yom Kippur ends at 7:31 p.m.

(Times are for Los Angeles)

# هَازِينو

پاراشای هازینو بالاین کلمات مُشه رینو شروع میشود. "ای آسمانها گوش کنید ... و ای زمین بشنو..". میدراش با توجه به استفاده از کلمات بالا می گوید که اینطور بنظر می آید که مُشه با حالت بسیار خودمانی و نزدیک با آسمان صحبت می کند. در حالیکه از نوع کلمه ای که برای زمین بکار برده است بنظر می آید که او از زمین بسیار دور است. در یشعیا تقریبا عکس این کلمات بکار رفته است. "ای آسمانها بشنوید و ای زمین گوش کن." در اینجا نوع کلماتی که استفاده شده نشان دهنده نزدیکی یشعیا به زمین و دور بودنش از آسمان می باشد. یک فرد یهودی کدامین طریق را باید انتخاب کند. آیا او می بایست بدنبال روحانیت بوده و از مسائل زمینی دوری کند؟ و یا او می بایست همچون یشعیا خانه روحانی خود را در مسائل زمینی بیابد؟ این پاراشا دارای چگونه اهمیتی است که در ده روز تشووا و روزهای بعد از کبیر خوانده میشود؟ روزهایی که بالاترین لحظات در خود آزمایی روحانی زندگی ماهستند.

## ۱- نزدیکی و دوری

در میدراش <sup>۱</sup> آمده است که مُشه رینو به آسمان نزدیک و از زمین دور بود به همین علت است که او می گوید "ای آسمانها گوش کنید تا سخن بگویم و ای زمین کلام دهان مرا بشنو" کلمه گوش کردن حالت نزدیکی و کلمه شنیدن حالت دور بودن را میرساند.

به طریق مشابه در میدراش آمده است که یشعیا از آسمان دور و به زمین نزدیک بود برای آنکه از کلماتی بر عکس کلمات بالا استفاده می کند "ای آسمانها بشنوید و ای زمین گوش کن" <sup>۲</sup> و این اختلاف در استفاده از کلمات تعجب آور است . تورا به معنای "آموزش" است و تمامی کلمات آن برای هر فرد یهودی آموزنده می باشد . <sup>۳</sup> زمانی که مُشه رینو می گوید "ای آسمانها گوش کنید... و ای زمین بشنو". به طور ضمنی به ما این موضوع (پیام) را آموزش می دهد که هر فرد یهودی می بایست کوشش کند که خودش را به آسمان نزدیک کرده و از محدودیت های زمینی دور کند. چنانچه یشعیا که یکی از بزرگترین پیامبران ماست توانسته <sup>۴</sup> است به این مرحله برسد چگونه است که تورا از ما این انتظار را دارد؟ و اگر نزدیکی به آسمان

۱- سیفری ابتدای هازینو - زوهر هازینو ۲۸۶ ب

۲- یشعیا ۱۰:۳

۳- زوهر بخش سوم ۵۳ ب

۴- یلقوت یشعیارمز ۳۸۵

**Aish Tamid**  
**Parshat Ha'azinu, 5784**

در واقع در دسترس همه یسrael هامی باشد ۵ پس چگونه است که یشعیا به چنین مرحله ای نمی رسد؟

این موضوع ما را بیشتر به تعجب و میدارد چرا که - آنگونه که میدراش<sup>۶</sup> می گوید - کلمات یشعیا ادامه کلمات مُشه بوده و او این کلمات را در حالی عنوان کرده است که تحت تاثیر مستقیم مُشه قرار داشته است . پس بنابراین برای یشعیا رسیدن به مقام مُشه بسیار ساده تر و قابل دسترس تر بوده است تا برای ما .

به این ترتیب ما اجباراً به این نتیجه می رسیم که یشعیا نسبت به مُشه در درجه پائین تر معنوی بوده بلکه حتی در درجات بالاتری از معنویت نسبت به او (در زمانی که این مطلب را عنوان کرده است) قرار داشته است . در این حالت یشعیا از آن نقطه ای که مُشه کلامش را تمام می کند آنرا شروع کرده و ادامه میدهد . با وجود رسیدن به درجات بالای روحانی همچون مُشه یعنی نزدیکی به آسمان ، یشعیا پیامبر هنوز این قدرت را داشت که به مقامات بالاتر روحانی برسد یعنی "نزدیک به زمین" . واز آنجا که کلمات یشعیا نیز قسمتی از تورا است این کلمات نیز پیام عمومی و کلی برای هر فرد یهودی به همراه دارند .

ما همچنین این مطلب را<sup>۷</sup> باید درک کنیم که از آنجا که هر پاراشایی از تورا با زمانی که آن پاراشا خوانده می شود در رابطه است . این کلمات تورا و ادامه آنها در یشعیا با زمان مابین روش هشانا و سوکوت که این پاراشا در آن زمان خوانده میشود ارتباط مخصوص دارد .

## ۲- روزهای گریه

ربی یسحاقد لوریا - آری<sup>۸</sup> می گوید هر آنکس که در این ده روز تشاوا اشک نریزد و گریه نکند روح او به درجه کمال نرسیده است و معنای ساده<sup>۹</sup> این مطلب این است که در مدت این ده روز خداوند به هر فرد یهودی بسیار نزدیک<sup>۱۰</sup> است . همچون "منبع نور به جرقه و ذره ای از نور" .

چنانچه حتی در چنین روزهایی اشکهای "تشووا" از چشمان یک فرد یهودی جاری نشود این نشان دهنده آن است که روح چنین شخصی دارای نقص و کمبود است و هیچ چیز نمی تواند او را بیدار کند تا به منبع اصلی اش برگردد یک چنین شخصی از هدف اصلی زندگی خود بسیار دور افتاده است .

۵- تیبا بخش اول فصل ۴۲ عسپیری، یعقوت، هازینور مز ۹۴۲ ۷- ترجوع شود به شالوه آغاز و شو، اور هنر آغاز نصوص

۸- پیری انص خیم شعر هشوفل فصل ۵ ۹- روش هشتاد و هشت آلف - ربیم هیلخوت تشوا عو۲

۱۰- در خیم ۱۳، ۱۵، ۲۱، ب، ۹۱، الف

**Aish Tamid**  
**Parshat Ha'azinu, 5784**

آری با عنوان این مطلب که "هر کسی که اشک نزیرد" اشاره می کند که این موضوع برای همه حتی برای افراد صدیق کامل هم صادق است . اما گناه و خطاست که باعث گریه انسان در موقع تشووا می شود و شخص صدیق کامل هرگز گناه و خطای نمی کند . چطور ما انتظار داریم که او تشووا کند تا آنجا که اگر گریه هم نکند بگوئیم روح او کامل نیست و روحانیت او به درجه کمال نرسیده است؟

عقیده آری راما بهتر می توانیم در مورد شخص "بینونی" درک نکیم . شخص "بینونی" کسی است که هنوز علاقه به گناه را از خود دور نکرده است اگرچه این علاقه همواره در او به حالت سرکوب نگاه داشته شده است <sup>۱۱</sup> برای چنین شخصی همواره امکان گناه وجود دارد . از یک چنین شخصی می توان انتظار گریه در یک چنین روزهایی را داشت .  
اما برای شخص صدیق کامل که دیگر طبیعتا خواهان گناه نیست بنظر نمی آید که دلیلی برای گریه کردن و نیازی برای ریختن اشک وجود داشته باشد .

ولی تواضع و فروتنی ممکن است که او را وادر به گریه بکند حتی ربی یوحانا بن زکای هم گریه میکرد و می گفت "زمانی که در جلوی من دوراه وجود دارد یکی بطرف بهشت و یکی بطرف جهنم و من نمیدانم که به کدام راه مرا می برنند آیا من نمی بایست گریه کنم؟" <sup>۱۲</sup> اما چرا آری نمی گوید که آنها می توانند "بعضی اوقات" گریه بکنند بلکه گفته است که "آنها باید گریه بکنند؟ آیا شخص صدیق می بایست خودش را خطاکار و گناهکار تصور نموده و به این خاطر گریه کند؟

### ۳- اشک شادی و اشک غم

آلتر ریه توضیح میدهد <sup>۱۳</sup> که آن اشک هایی که آری از آن سخن می گوید اشک های تلخ نالمیدی و غم نبوده بلکه اشک های شادی است همچون اشک های ربی عقیوا . زمانی که او وارد دنیای اسرار الهی میشد اشک هایی میریخت که تماما اشک های شادی مطلق بود .  
اما صدیقیم صرفا به این خاطر که اشک شادی بریزند گریه نمی کنند . ممکن است بگوئیم که آری به دو نوع گریه متضاد با استفاده از یک کلمه اشاره می کند . اشک شادی افراد صدیق و اشک تلخ افراد معمولی که اولی بیان کننده احساس نزدیکی به خداوند و دومی بیان کننده احساس دوری از خداوند می باشد .

۱۲-براخوت ۲۸ ب

۱۳-لیکوتی تورا تصدۀ ۳۷

۱۴-متراش هعلم و اثر ۹۸ ب

## ۴- برگشت روح

توضیح این است که تشووا تنها صرفا به معنای توبه نمی باشد، چیزی که فقط زمانی که گاهی انجام شده باشد اتفاق میافتد بلکه معنای تشووا برگشت روح بسوی خداوند<sup>۱۵</sup> است. "روح بسوی خداوندی که آنرا داده است برمیگردد".<sup>۱۶</sup>

حتی فرد صدیق که خداوند را با عشق و ترس عبادت می کند تمامی وجودش هنوز به آن مرحله نزدیکی به خداوند که روح قبل تولد تجربه کرده است نرسیده است.<sup>۱۷</sup> جسم مادی مابین خداوند و روح انسانی فاصله ای را ایجاد می کند که حتی فرد صدیق نیز نمی تواند پُلی برروی این فاصله ایجاد کند و این جدایی عامل غم و غصه و علت گریه و اشک اوست. او حتی در زمانی که در بالاترین درجات روحانی است این فاصله روح از منبع آسمانی خود را احساس می کند اشک های او همچون اشک های آن فرد یهودی با ایمان ساده است که از این فاصله دوری خود از خداوند آگاه شده است.

## ۵- اشک های بی خود شدن

اما حتی این جواب نیز کافی نیست چرا که در این حالت شخص صدیق بر آن چیزی گریه می کند که جبریست . و این حقیقتی است که زندگی در غالب جسم فاصله ای مابین خداوند و روح ایجاد می کند که نمی توان آنرا تغییر داد. انسان نمی بایست خودش را با خاطر آنچه که نمی تواند عوض کند و از قدرت و توانایی او خارج است سرزنش کند.

چنانچه شخص صدیق توجه و اندیشه اش متوجه ارضاء روحانی شخص خودش بود ، از آنجا که تولد یک ضرر و خسارتی برای روح بشمار می آید. این ضرر و خسaran ممکن بود (بدون آنکه او خود را مقصر بداند) او را به گریه بینادارد. اما افراد صدیق به خودشان فکر نمی کنند. آنها به آن خواسته خداوند می اندیشند<sup>۱۸</sup> که روح آنها می بایست در محدودیت های کوچک این دنیا بسر برد. پس چگونه است که آری انتظار دارد که آنها نیز می بایست گریه کنند؟ شاید جواب آن باشد که افراد صدیق با خاطر آنکه آنها هنوز ماموریتشان رالنجام نداده اند می بایست گریه کنند چرا که هدف از ترول روح آن است که وسیله ای برای آنکه انسان به مراحل بالای روحانی برسد باشد، به حالتی که در آن انسان بطور کامل خودش را نفی می کند و این

۱۵- لیکوتی تورا آغاز هازینه  
۱۶- قوهلت و ۱۲- تیباخش اول فصل ۳۷

۱۷-

۱۸- تیباخش اول فصل ۱۰

**Aish Tamid**  
**Parshat Ha'azinu, 5784**

مأموریت زمانی انجام می شود که روح هیچ بودن خودش را درک کرده و حضور فرآگیر خداوند را احساس کند. و از آنجا که شخص صدیق ممکن است فکر کند<sup>۱۹</sup> که هنوز سفر او در جهت و مسیر این هدف نمی باشد. بنابراین سزاوار است که گریه کرده و اشک بریند. با این حال اگر حتی بزرگترین مردان روحانی نیز قادر به رسیدن به این مرحله نیستند پس ما چگونه می توانیم بگوئیم که آنها می بایست به این مرحله برسند؟ ما نباید خواهان غیر ممکن باشیم.

حقیقت این است که روح شخص یهودی قسمتی از خداوند است. او می تواند به ورای امکانات روحانی جهان برسد. او گریه می کند و اشک میریزد بخاطر آنکه این گریه و اشک وسیله ایست برای غلبه بر محدودیت های انسانی خودش.

از میان تنگناها خداوند را صدای کرد. خداوند با گسترده‌گی به من پاسخ داد.<sup>۲۰</sup> این احساس هنوز "در تنگنا بودن" پس از رسیدن به تمامی آن درجات روحانی، آنچنان گسترده‌گی روحانی را برای انسان فراهم می آورد که حاصل آن از بین رفتن خودآگاهی انسانی و حل شدن و یکی شدن با الوهیت می باشد.

## ۶- یکی شدن با خداوند در درون جهان

و این اهمیت تشووا در این ده روز است. و اگرچه تشووا همیشه مهم است ولی این ده روز زمانی ایست که خداوند در نزدیکترین فاصله خود به انسان قرار دارد. برای آنکه این روزهانه تنها به تشویای انسان طعم روحانی دیگری میدهد بلکه باعث میشود که این حالت تشووا به مراحل بالاتری نیز برسد. تشووا در این زمان صرفاً توبه کردن از گناه نیست بلکه حالت برگشت روح بسوی خداوند و حالت پایان یافتن بیگانگی روحانی ایست. رسیدن به این حالت به انسان این امکان را میدهد که دیگر محدودیت های انسانی خود را جبری و چاره ناپذیر نیانگارد. این محدودیت های می تواند ارتقا یابد و انسان را دارای قدرت و آزادی روحانی بیشتری کند. و بخاطر رسیدن به این حالت است که هر فرد یهودی در این روزها گریه کند و اشک بریند.

زمانی که انسان به این حالت، خود ارتقائی و روحانیت میرسد او یک شکاف و معبری در درون وجود خود ایجاد کرده است. ایجاد این محل عبور تهازنایی ممکن است که روح در غالب جسم خاکی قرار دارد. انسان در این حالت با بی نهایت در حالیکه در درون نهایت است یکی شده و به

**Aish Tamid**  
**Parshat Ha'azinu, 5784**

این طریق ثابت می کند که هیچگونه محدودیتی حتی محدودیت های قالب و جسم انسانی نیز نمی تواند مانع از وحدت روحانی انسان با خداوند بشود. و یک چنین اتحادی اصولاً محدودیت پذیر نمی باشد. چرا که او به مرحله اتحاد و یکی شدن با خداوند بدون نفی جهان رسیده است. "از میان تنگناها، (محدودیت ها) خداوند را صدا کردم و از میان این جسم، این دنیای محدود، خداوند با گستردگی به من جواب داد".

## ۷- شوفار

شوفار زدن در روز روش هشانا نیز به همین معناست. از طریق شوفار (که شکل آن از یک طرف کوچک و محدود و از طرف دیگر بزرگ و گستردگی است)، پادشاهی خداوند را اعلام می کنیم . و آنگونه که در تلمود آمده است<sup>۲۲</sup> خداوند می گوید "در روز روش هشانا وصف پادشاهی مرا بگوئید. پادشاهی مرا یادآوری کنید و شوفار بزنید تا آنجا که مرا بر خودتان پادشاه اعلام کنید به چه وسیله این پادشاهی اعلام شده و خداوند بر انگیخته می شود که پادشاه ما باشد؟ به وسیله نواختن شوفار

درک این مطلب کمی مشکل است بطور طبیعی ابتدا مامی بايست خداوند را به عنوان پادشاه اعلام کنیم و سپس فرمان های او را اطاعت کنیم .<sup>۲۳</sup> چگونه مامی توانیم از طریق انجام یکی از فرامین او - نواختن شوفار - خداوند را برانگیزانیم که پادشاه ما بشود؟ در حالیکه انجام و اطاعت از خود این فرمان نشان دهنده این مطلب است که او از قبل پادشاه ما بوده است؟ توضیح در تفیلایی است که قبیل از نواختن شوفار می خوانیم "از میان تنگناها خداوند را صدا کردم" عامل این تنگناها صرفاً گناهان ما نیستند. بلکه این خود وجود ماست که عامل این تنگناهast. تازمانی که ما احساس می کنیم که از خداوند جدا هستیم و تازمانی که این مطلب حقیقت دارد ما هنوز خداوند را به عنوان پادشاه برخود قبول نکرده ایم.

اما زمانی که ما در چهار چوب این تنگناها می ایستیم و با این حال "خداوند را صدا می کنیم" ما به مرحله درک ذات الهی و روحانیت رسیده ایم و بزرگی و گستردگی خداوند را به درون زندگی انسانی کشانده ایم . و این معنای برقراری حکومت خداوند است. او پادشاه است در درون و در میان جهان و نه در خارج و ورای آن .

۲۲- رجوع شود به مخیلتا و یلقوت شیمعونی بیترو ۳ و ۲۰

۲۳- روش هشانا ۱۶ الف، ۳۴ ب

## ۸- محدودیت‌های جهان و گستردگی آن

ارتباط مابین پاراشای هازینو که در آن مُشه و یشعیا بیسرائل‌ها را مورد خطاب قرار میدهند و ده روز تشووا و چهار روز بعد از کیپور<sup>۲۴</sup> اینک معلوم میشود. زندگی مذهبی ما در طول سال همواره با مطابی که مربوط به جهان ماست همچون انجام اعمال میصوت و مطالعه تورا توأم است. حتی دعاها و تفیلاهای مانیز بستگی به شخصیت انسانی، عقل و درک و رفتار انسانی ما دارد.

اما در طول این ده روز "روح بسوی خداوندی که آنرا ادله است برگشت می‌کند." هر فرد یهودی می‌باشد از محدودیت‌هایی که جهان بر او تحمل کرده است آگاه شده و برای رهایی از آنها گریه کرده واشک بریزد. او می‌باشد خداوند را صدا بزند و او را بخواهد و تمایل کند که با خداوند یکی بشود.

"انسان آنجایی است که خواسته‌های او آنجا هستند".<sup>۲۵</sup> و بوسیله این عمل گریه کردن او خودش را از دست این محدودیت‌هارها کرده و به روحانیت نزدیک و از زمین و مادیت دور می‌کند. خواسته عمیق او نزدیکی به خداوند است و این جایی است که او آنجاست. نزد خداوند. و خداوند "مرا با گستردگی جواب میدهد". که معنای این جواب آن است که خداوند در این جهان حضور می‌یابد. و این جهان ذات حقیقی خداوند را آشکار کرده بی نهایت وارد دنیا زندگی انسانی می‌شود و در این زمان است که او خداوند را نزدیک به "زمین و سورا ز آسمان" می‌یابد.

## ۹- یشعیای پیامبر

و این حقیقتی است که تمامی زندگی یک فرد یهودی را در بر می‌گیرد. "آسمان" اشاره به تورا و کلام خداوند است. "زمین" اشاره به فرامین خداوند و اعمال انسان<sup>۲۶</sup> هاست. از طریق مطالعه تورا فرد یهودی به خداوند نزدیک<sup>۲۷</sup> میشود و از طریق انجام فرامین، او، خداوند را بسوی خود و جهان نزدیک می‌کند.<sup>۲۸</sup>

در شروع او می‌باشد به خداوند نزدیک بشود، قلب و فکر او همواره خواهان و در حال مطالعه تورا باشد و توأم با آن او فرامین و میصوت را هم انجام بدهد.

۲۴- رجوع شود به مقدمه رابی لوباویچ به کونتررس ۹۷ در سفر همَعْلَمِیم<sup>۵۷.۹</sup>  
سیخوت جلد ششم ص ۲۴ زیرنویس<sup>۲۹</sup>  
۲۶- تورا آور آغاز برثیت و لیکوتی تورا هازینو<sup>۷۴</sup> ب  
۲۷- تنبیا بخش اول فصل ۵ و فصل ۲۳<sup>۳۷</sup>

**Aish Tamid**  
**Parshat Ha'azinu, 5784**

اما این فقط مرحله شروع است . او می باشد به مرحله اینی برسد که درک کند "اصل اساسی عمل است و نه مطالعه تنها"<sup>۲۹</sup> چرا که وظیفه واقعی انسان تغییر دادن جهان برای ساختن محل سکوتی برای خداوند است .

برای رسیدن به مرحله دوم وجود نبوت یشوعی لازم می باشد . تورا بوسیله مُشه دریافت شد ولی یشوعی نبوت در مورد آینده و نجات <sup>۳۰</sup> بیسرائل ها را از خداوند دریافت کرد . در آن زمان جهان محل سکوتی برای خداوند میشود و همه موجودات خواهند دانست که این تو هستی که آنها را بوجود آورده ای . و <sup>۳۱</sup> جهان از منبع بی نهایت انرژی الهی بر خواهد شد .

(منبع: لیکوتی سیخوت جلد نهم صفحه ۲۰۴ الی ۲۱۴) .  
(Source: Likkutei Sichot, Vol. 9, pp. 204-214)

---

۳۱- تفیلاهای روش هشانا و یوم کیپور

۳۰- بابلتر ۱۴ ب

۲۹- پیر کی آووت ۱۷ و ۱

## ده روز تشووا

مطالب زیر به طور کلی در مورد مشکلاتی که در ترجمه بوجود می آید می باشد. عمل ترجمه بر این اصل استوار است که برای هر واژه در هر زبانی می توان معادل آن را در زبان دیگر پیدا کرد. اما این مطلب ممکن است همیشه درست نباشد بخصوص زمانی که ما با ایده ها و مطالبی که دارای اهمیت اساسی هستند و مختص به یهودیت می باشند سر و کار داریم. در این حالت ممکن است ما یک عقیده و یا ایده ای مربوط به یهودیت را به واژه ای از فرهنگ دیگر ترجمه کنیم که این دو با هم اصولاً هم معنا نبوده و یا حتی در تضاد با هم باشند و این در مورد سه موضوع مهم که غالباً در این ده روز تشووا با آنها برخورد می کنیم صادق است که در زبان انگلیسی عبارتند از:

Charity, Prayer, Repentance

توبه، دعا و دستگیری از بینوایان می باشند.

امروزه متوجه می شویم که تا چه اندازه آنها با واژه های معادل شان در یهودیت تشووا، تفیلا و صداقاً متفاوت هستند.

### ۱ - عبادت در این ده روز

ما امیدواریم که خد- اوند در روش هشانا ما را با سالی که پر از خوبی و خوشی است برکت کند سالی پر ثمر و پر از سلامتی، فرزندان خوب و کار و کسب خوب.

اما از آنجا که برای خوبی و برکت خد- اوند حدی را نمی توان تصور کرد پس بنابراین در این ده روز تشووا ما دارای این موقعیت و امتیاز خواهیم بود که از طریق عبادتمن باعث بشویم که خد- اوند با آن دست گشاده اش هنوز هم برکات بیشتری را به ما ارزانی کند.

و این عبادت چگونه است؟ همانگونه که در تفیلاهایمان می خوانیم این عبادت شامل سه عامل اساسی تشووا، تفیلا و صداقاً می باشد. اما کلمات انگلیسی توبه، دعا و دستگیری از بینوایان که ترجمه معادل انگلیسی آنها می

**Aish Tamid**  
**Yom Kippur, 5784**

باشد کاملاً گمراه کننده بوده و ما را منحرف می کند. با ترجمه واژه های عبری تشووا، تفیلا و صداقا به انگلیسی ما به سوی مفاهیم آنها با آنچه که در دنیای خارج از یهودیت از این واژه ها در اذهان است کشیده می شویم که نادرست است. در واقع تفاوت هایی اساسی مابین آنها موجود است. تشووا، توبه نمی باشد.

(Repentance)

تفیلا، دعا و عجز و ناله نیست و صداقا صرفاً به معنای دستگیری از بینوایان نمی باشد.

## ۲ – تشووا و توبه

کلمه توبه در زبان انگلیسی:

Repentance

معادل کلمه تشووا نمی باشد بلکه معادل آن کلمه:

"خَرَاتَا" می باشد و این دو کلمه تشووا و خَرَاتَا نه فقط هم معنی نیستند بلکه کاملاً دارای معانی متفاوت و مخالف هم هستند.

خَرَاتَا به معنای پشیمانی و احساس خطأ نسبت به گذشته می باشد و داشتن این هدف که در آینده انسان کاملاً به طریق دیگری رفتار کند. شخص تصمیم می گیرد که انسان تازه ای بشود. اما تشووا بر مبنای برگشت است، برگشت به گذشته و به منبع و طبیعت اصلی انسان. زیربنای مفهوم تشووا این حقیقت است که یک فرد یهودی در اصل و بنیان موجود خوبی است. خواسته ها و وسوسه هایی ممکن است او را به طور موقت از این که خودش باشد و با خودش صادق باشد دور کنند. ولی اعمال بدی که او انجام می دهد قسمتی از طبیعت او نیست و حتی بر طبیعت واقعی او نیز تأثیرات بد باقی نمی گذارد. تشووا به معنای برگشت به ذات و صفت واقعی انسان است. در حالیکه خَرَاتَا به معنای رها کردن گذشته و آغاز دوباره می باشد. تشووا به معنای برگشت به ریشه های خدایی وجود انسان است و ظاهر کردن آنها به عنوان

# Aish Tamid

## Yom Kippur, 5784

طبیعت واقعی انسان.

با این مفهوم در حالیکه برای انسان صدیق احتیاجی به توبه پیش نمی آید و انسان خطاکار ممکن است که نتواند هرگز توبه کند ولی هر دو آنها می توانند و باید تشوا بکنند.<sup>۱</sup>

انسان های صدیق و پرهیزکار اگرچه هرگز خطایی مرتکب نشده اند همواره می بایست سعی و کوشش کنند که به اصل و منشأ اولیه خود برگشت کنند. و بعضی انسان ها اگرچه بسیار از خد- اوند دور افتاده اند، همواره می توانند برگشت کنند. چرا که تشوا به معنای ایجاد چیزی نو نمی باشد بلکه به معنای کشف آن ذات خوبی است که همیشه در وجود انسان بوده است.

### ۳ – تفیلا و دعا

دعا در زبان عبری معادل تفیلا نمی باشد بلکه کلمه معادل آن "بقاشا" می باشد. این دو کلمه با هم در تضاد هستند. بقاشا به معنای دعا خواندن، درخواست کردن و التماس کردن است ولی تفیلا به معنای خود را وصل کردن و مرتبط کردن است.<sup>۲</sup>

در بقاشا انسان از خد- اوند می خواهد که خواسته او را انجام بدهد و هرآنچه که او کمبود دارد را فراهم کند. بنابراین وقتی او احتیاجی به چیزی ندارد و یا احساس می کند که خواسته ای از خد- اوند ندارد، بقاشا دیگر بی مورد می شود و لزومی ندارد. اما در تفیلا، انسان سعی می کند که خودش را به خد- اوند وصل کند و این حرکتی است از پایین، از طرف انسان ، به سوی بالا، به طرف خداوند و این حالتیست که برای هر انسانی و در هر زمانی کاربرد دارد و به او مربوط می شود. روح یهودی دارای پیوندیست با خداوند. ولی این روح که در جسم مادی ساکن است اشتغال آن با دنیای مادی، آن پیوند را سُست و ضعیف می کند. بنابراین باید این پیوند به طور دائم دوباره تقویت

<sup>۱</sup>- رجوع شود به "کنترس بیکور شیکاگو" صفحه ۲۳

<sup>۲</sup>- رجوع شود به "راشی، برشیت" ، ۳۰، ۸. اور هنوراه، ویخی، ۳۸۰ الف

شده و نو و تازه بشود و این وظیفه تفیلاست و برای هر فرد یهودی لازم و ضروری است. چرا که در حالیکه ممکن است اشخاصی باشند که چیزی کم ندارند و بنابراین احساس می کنند که احتیاجی نیست که درخواستی از خداوند داشته باشند، انسانی وجود ندارد که احتیاج به نزدیکی به منبع زندگی و آفرینش را احساس نکند.

## ۴ – صداقا، کمک و دستگیری

کلمه معادل برای دستگیری و کمک از بینوایان، کلمه صداقا نبوده بلکه "خِسِد" می باشد و این دو کلمه نیز دارای معانی مخالف با یکدیگر هستند. خِسِد، کمک و یاری به دیگران که معادل انگلیسی آن:

Charity

می باشد، از یک طرف این مفهوم را می رساند که گیرنده این کمک دارای حق و امتیازی نسبت به این کمک نمی باشد و از طرف دیگر ارائه دهنده این کمک و یاری نیز اجبار و الزامی در ارائه این کمک ندارد. او این کمک را به خاطر خوبی قلب خودش، با گشاده رویی و با دست باز به دیگران عرضه می کند. این عمل او در واقع از نوعی تقوی و حسن نیت او حاصل می شود و نه از روی انجام وظیفه.

از طرف دیگر صداقا به معنای پرهیزکاری، صداقت و یا عدالت است و به طور ضمنی این مفهوم را می رساند که دهنده آن، وظیفه اش را انجام می دهد. به خاطر آن که او لاً: همه چیز این جهان در نهایت، متعلق به خداوند است. تعلق انسان به دارایی اش برحسب حق الهی او نمی باشد. بلکه آنها به وسیله خد- اوند برحسب اطمینان به او واگذار شده اند و یکی از شرایط این واگذاری آن است که او می بایست آنها را به کسانی که به آنها احتیاج دارند بدهد. ثانیاً: انسان موظف است همانگونه که انتظار دارد خد- اوند نسبت به او رفتار کند، نسبت به دیگران رفتار نماید. و همانگونه که ما به خودمان این حق را می دهیم که از خد- اوند درخواست برکت کنیم، خد- اوندی که

**Aish Tamid  
Yom Kippur, 5784**

هیچگونه تعهدی ندارد که خواسته ما را انجام دهد و به ما بدهکار نیست . بنابراین عدالت اینگونه حکم می کند که ما نیز موظف هستیم حتی اگرچه به هیچ عنوان به دیگران بدهکار نیستیم از مال خود به آنها بدهیم . به این ترتیب ما پاداش خود را بر حسب عملی که می کنیم می گیریم . از آنجا که ما بدون قید و شرط به دیگران می دهیم ، خد - او ند نیز برکاتش را همینگونه به ما بدون قید و شرط ارزانی می کند . این موضوع بخصوص در مورد دادن صداقا به انجمان ها و مؤسساتی است که توراه در آنها تدریس می شود . با خاطر آن که هر فردی که در این مؤسسات تعلیم می گیرد در واقع همچون زیربنا و اساس جامعه بزرگ یهودیت می باشد و در آینده راهنمایی خواهد بود برای نسل های بعد . و این حاصل صداقایی است که او می دهد .

## ۵ - سه طریق

این سه مورد راه هایی هستند که به سالی پر از برکت و خوبی برای ما منتهی می شوند . با برگشت به اصل و ذات و بنیان اصلی خود (تشووا) و با وصل کردن ، برقراری ارتباط با خداوند (تفیلا) و با دادن مال و دارایی خود به دیگران (صداقا) ما برکات روش هشانا را به برکات حاصل از یوم کیپور وصل می کنیم . به امید سالی پر از شیرینی و فراوانی .

(منبع: لیکوتی سیخوت . فصل ۲ صفحات ۴۱۱ - ۴۰۴)

(Source: Likkutei Sichot,  
Vol. 2, pp. 409-411)



**Office Machines**

LA's Easy Office Solution



**In Business Since 1990**

**SALE • SERVICE • REPAIR  
RENT • LEASE**

- COPIERS
- LASER PRINTERS
- FAX
- TYPEWRITERS

**ISAAC  
310-557-0702**  
FREE PICK-UP  
& DELIVERY

**1439 S. ROBERTSON BLVD., LOS ANGELES, CA 90035**  
[www.ezofficemachines.com](http://www.ezofficemachines.com)

**To Place Your Advert  
Here:  
call (323) 934-7095**

**IN LOVING MEMORY OF OUR DEAR MOTHER  
Mrs. Homa Taj Esther bat Asher ה"ע Cohen  
Passed away on Yom Kippur - 10 Tishrei, 5756**

ת. ג. צ. ב. ה.

\*

**DEDICATED BY HER CHILDREN שיחוי**

## **JEWISH CHILDREN:**

**Get your own letter  
in a Sefer Torah!**

**<http://www.kidstorah.org>**

# **Mitzvahland®**

**877-505-7700  
LARGEST SUKKAH  
MANUFACTURE!**

## **ADJUSTABLE SUCCAH**



TO DEDICATE AN ISSUE IN HONOR OF  
A LOVED ONE, CALL (323) 934-7095

Reprinted with permission by:

&

Moshiach Awareness Center,

a Project of:

**Enlightenment For The Blind, Inc.**

602 North Orange Drive,  
Los Angeles, CA 90036

Tel.: (323) 934-7095 \* Fax: (323) 934-7092

<http://www.torah4blind.org>

e-mail: [yys@torah4blind.org](mailto:yys@torah4blind.org)

**Rabbi Yosef Y. Shagalov, Executive Director**

Printed in the U.S.A.

For this and other books on Moshiach & Geulah, go to: <http://www.torah4blind.org>